

دوتا ۱۶۰	در میان گذاشتن برکات ۳۰
	یک شاگرد آنچه از دوم قرن‌تیان ۸ - ۱۱ یاد گرفته است در میان می‌گذارد .
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان هایتان است یاد خواهید گرفت که شاگرد مسیح باشید . دو معلم آنچه از رازگهان های خود یاد گرفته اند در میان خواهند گذاشت . در طی هفته گذشته هر روز با قسمتی از عهد جدید رازگهان داشته ایم . هفته ای یکبار جمع می‌شویم تا آنچه یاد گرفته ایم در میان بگذاریم . در حالیکه به این برنامه گوش می‌دهید یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . نخست شرح خواهیم داد که چگونه رازگهان داشته باشیم .

(S) نکته ۱ . نحوه داشتن رازگهان و در میان گذاشتن برکات .

با یکی از هفت قسمت مشخص شده کتاب مقدس ، هر روز هفته با خدا مشارکت یا رازگهان داشته باشید . یک روش ساده راز گاهان " حقیقت محبوب " است که دارای ۵ قدم است . **قدم ۱ .** دعا کنید و از خدا بخواهید که با شما صحبت کند . **قدم ۲ .** یکی از هفت قسمت مشخص شده را بخوانید . **قدم ۳ .** حقیقت محبوب خود را انتخاب کنید . این حقیقت آیه یا قسمتی است که خدا از طریق آن با شما صحبت می‌کند و شما را به فکر کردن تشویق می‌کند و یا قلب شما را لمس می‌کند . **قدم ۴ .** بر حقیقت محبوب خود تعمق کنید . با انجام چهار مورد زیر تعمق کنید . اول . در مورد معنی کلمات مختلف فکر کنید . دوم . از خدا بپرسید که قصد دارد به شما چه بگوید . سوم . با ساختن یک کاربرد عملی ، حقیقت محبوب خود را به زندگیتان مربوط کنید . چهارم . مهمترین افکار حاصل از تعمق خود را در یک دفترچه یادداشت بنویسید تا بتوانید با دیگران آنها را در میان بگذارید . **قدم ۵ .** در مورد حقیقت محبوب برای خودتان دعا کنید . سپس برای شخصی در خانواده ، برای شخصی در نزدیکی و سپس برای شخصی که از شما دور است در ارتباط با حقیقت محبوب دعا کنید . وقتی با یکی از دوستانتان و یا سایر مسیحیان در یک گروه خانگی و یا گروه شاگردی جمع می‌شوید به نوبت تعمق حاصل از یکی از رازگهان های خود را در میان بگذارید . سعی کنید پاسخ بعضی از سئوالات مربوط به قسمتهای مشخص شده را پیدا کنید .

(T) نکته ۲ . در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرن‌تیان ۸ - ۱۱

هفته گذشته دوم قرن‌تیان ۸ - ۱۱ را خوانده ایم بر آن تعمق و دعا کرده ایم . حالا از یادداشتهای رازگهان خود برای در میان گذاشتن حقایق و دروس مربوط به این قسمت استفاده کنیم و بعضی سئوالات را مورد گفتگو قرار دهیم .

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرن‌تیان فصل ۸ .

می‌خواهم درباره بخشش مسیحی مطلبی را در میان بگذارم . دوم قرن‌تیان فصل‌های ۸ و ۹ از نظر درک بخشش مسیحی بسیار اهمیت دارند . در فصل ۸ پولس در ارتباط با بخشش مسیحی مثال فوق العاده کلیساهای مقدونیه را نقل می‌کند . می‌خواهم فقط یک اصل از بخشش مسیحی را در میان بگذارم : بخشش مسیحی باید شریک ساختن مسیحیان نیازمند سایر مناطق باشد . دوم قرن‌تیان ۸ : ۱۴ - ۱۵ می‌گوید ، " در حال حاضر شما اضافی دارید ، بنابراین می‌توانید به ایشان کمک کنید . در آینده نیز اگر شما احتیاج داشته باشید آنان نیاز شما را بر آورده خواهند کرد به این ترتیب هر کس به اندازه احتیاج خود خواهد داشت . بیاد آورید کلام خدا را که در این باره می‌فرماید : آن که زیاد جمع کرد زیادی نداشت و آن که کم جمع کرد کمبود نداشت " . مسیحیانی که از امکانات مادی زیادی برخوردارند باید مواظب باشند که مسیحیان دیگر که از امکانات کمتری برخوردارند در نیاز نباشند . و این فقط برای افراد مسیحی کاربرد ندارد بلکه کلیساهای مسیحی ای نیز که بیشتر دارند باید کلیساهای مسیحی ای که امکانات کمتری دارند را شریک خود بسازند . نه فقط افراد اعضای یک بدن محسوب می‌شوند بلکه تمام کلیساهای موجود در جهان اعضای بدن مسیح می‌باشند و باید نسبت به هم توجه ای متقابل داشته باشند .

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرن‌تیان فصل ۹ .

(S) می‌خواهم از دوم قرن‌تیان ۹ : ۶ - ۷ در مورد اصول بخشش مسیحی مطلبی در میان بگذارم .

اصل اول . " بخشش مسیحی فقط بخشیدن چیزی است که خودتان دریافت کرده اید . "

دوم قرن‌تیان ۹ : ۱۰ می‌گوید ، " خدا برای کشاورز بذر آماده می‌کند تا بکار د و درو کند و بخورد به شما نیز بذر فراوان عطا خواهد کرد تا بکارید و محصولات را فزونی خواهد داد تا بتوانید از آن هر چه بیشتر برای کمک به دیگران استفاده کنید . " خدا بذر را آماده می‌کند تا مسیحیان بکارند .

هر آنچه مسیحیان می‌کارند ابتدا آن را از خدا دریافت کرده اند . دوم قرن‌تیان ۵ : ۱۸ می‌گوید ، " تمام این نیکویی‌ها از سوی خدا است . " و اول قرن‌تیان ۴ : ۷ می‌گوید ، " مگر چه دارید از خدا نیافته اید ؟ " پس بخشش مسیحی نتیجه فیض خداست و نه نتیجه نیکویی شخص مسیحی . پس می‌خواهم بخشش را وظیفه ای بدانم که خدا به من محول کرده است . من پول یا اموال را به خدا نمی‌دهم بلکه پول و اموال خدا را صرف هدف خدا در این دنیا می‌کنم .

دومین اصل : " بخشش مسیحی کاشتن است . "

دوم قرن‌تیان ۹ : ۶ می‌گوید ، " فراموش نکنید که هر که کم بکار د ، کم نیز درو خواهد کرد . و هر که زیاد بکار د زیاد درو خواهد کرد . پس اگر کم بدهید کم نیز دریافت خواهید کرد . " بخشش مسیحی به معنی دور انداختن نیست . هر آنچه که شخص مسیحی می‌بخشد نه تنها از بین نمی‌رود بلکه چند برابر می‌شود .

بخشش مسیحی درست مانند کاشتن بذر است. از نظر ظاهری دانه کشاورز خیلی کوچک به نظر می رسد اما از نظر درونی هر دانه دارای قدرت ذاتی فوق العاده ای است. بر خلاف ظاهر، همه دانه ها دارای قدرت ذاتی حیات و تکثیر هستند. برای اینکه به دانه امکان رشد و میوه آوردن داده شود کشاورز بایستی دانه ها را درون خاک بپاشد. قبل از اینکه او رشد و تکثیر دانه ها را ببیند باید آنها را ببخشد. درست مانند دانه که رشد می کند و درخت می شود و میوه ای می آورد که در درون آن باز هم دانه های فراوان وجود دارد در بسیاری موارد در بخشش مسیحی نیز، مقداری که بخشیده می شود از نظر کمی چند برابر می شود.

فیض خدا نه تنها برای کاشتن، بذر را به مسیحیان می دهد بلکه قادر است که انبار بذر مسیحیان را افزایش دهد و برداشت عدالت او را وسیع گرداند. قدرت ذاتی يك دانه كوچك و بی اهمیت بسیار عظیم است. بذری که خدا مهیا می کند باید پراکنده و زیر زمین کاشته شود. و قبل از اینکه محصول قابل برداشت گردد به نظر می رسد که تمام دانه ها از بین رفته باشند. عیسی مسیح این اصل بخشش را در یوحنا ۶ با معجزه غذا دادن به پنج هزار نفر با هدیه ناچیز پسری ناشناخته اثبات کرد. فقط بعد از تقسیم و پخش کردن آن بود که پنج قرص نان و دو ماهی توانست آن جمعیت بسیار را تغذیه کند. پس من هم می خواهم مقداری از پول و اموال را صرف هدف خدا در این دنیا کنم با این اطمینان که خدا تاثیر آن را چند برابر خواهد کرد.

سومین اصل: "در بخشش مسیحی آنچه شخص می کارد درو می کند." (غلاطیان ۶: ۷).

دوم قرنثیان ۹: ۶ می گوید، "هر که کم بکارد کم نیز درو خواهد کرد و هر که زیاد بکارد زیاد درو خواهد کرد پس اگر کم بدهید کم نیز دریافت خواهید کرد." شخص مسیحی با همان حالتی که بکارد درو می کند. این قانون در مورد دنیای کشاورزی و همینطور در دنیای اخلاقیات صدق می کند. هر که کم بکارد کم درو خواهد کرد و هر که به فراوانی بکارد به فراوانی درو خواهد کرد و همچنین این اصل در عهد عتیق نیز تعلیم داده شده است. در امثال ۱۱: ۲۴ - ۲۵ نوشته شده، "هستند کسانی که با سخاوت خرج می کنند و با این وجود ثروتمند می شوند و هستند کسانی که بیش از اندازه جمع می کنند اما عاقبت نیازمند می گردند. شخص سخاوتمند کامیاب می شود و هر که دیگران را سیراب کند خود نیز سیراب خواهد شد." پس موقع بخشش سخاوتمندانه می کارم و انتظار برداشتی سخاوتمندانه را خواهم داشت.

اصل چهارم: "میزان واقعی بخشش مسیحی به مقدار هدیه نیست بلکه به حالت قلبی بخشنده بستگی دارد."

دوم قرنثیان ۹: ۷ می گوید. "کسی را مجبور نکنید که بیش از آنچه قلبا در نظر دارد بدهد بلکه بگذارید همانقدر که مایل است بدهد زیرا خدا کسی را دوست دارد که از روی میل کمک می کند." بر عکس بخشش عهد عتیق که مقدار آن توسط شریعت ثابت بود در بخشش مسیحی آزادی واقعی وجود دارد. هر مسیحی باید در قلب خود تصمیم بگیرد که باید چقدر ببخشد. و هیچ سهم یا درصدی برای او تعیین نمی شود. وقتی با اکراه می بخشید یعنی می بخشید و بعد برای مال از دست رفته اندوهگین می شوید و یا تحت فشار یکی از رهبران کلیسا یا تحت فشار افکار عمومی می بخشید در واقع این بخشیدن نیست بلکه دلخوری است. بخشش اکراهانه مقداری مشخص و یا تحت فشار، بخشش مسیحی نیست پس شبانان یا اعضای يك کلیسا نباید مسیحیان را مجبور کنند که ده يك در آمد خود را به کلیسا بپردازند.

الزام به پرداخت ده يك مسیحیان را مجبور می کند که تحت فشار ببخشند. در نتیجه بسیاری از مسیحیان نه با رضایت بلکه با اکراه می بخشند. به علاوه بر طبق کولسیان ۲: ۱۴ و افسسیان ۲: ۱۵، لزوم دادن ده يك مربوط به شریعت تشریفاتی عهد عتیق است که توسط مرگ و قیام عیسی مسیح منسوخ و باطل شده است.

کتاب مقدس تعلیم می دهد که هر مسیحی باید در قلب خود تصمیم بگیرد که چقدر باید ببخشد و پی ببرد که چقدر با تمام قلبش مشتاق بخشیدن است. بخشش مسیحی همیشه باید به صورت بخشش رضایت‌مندانه باشد.

بخشش مسیحی واقعی باید آزادانه، مشتاقانه و با شادی انجام شود. خدا به مبلغی خاص نیاز ندارد آنچه او می خواهد حالت خالصانه قلبی است.

پس همیشه می خواهم خودم تصمیم بگیرم که چقدر به منظور هدف خدا در این جهان ببخشم. آنچه مهم است مبلغ یا درصدی نیست که برای بخشش تعیین می شود بلکه حالت قلبی من است.

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرنثیان فصل ۱۰.

(T) می خواهم از دوم قرنثیان ۱۰: ۳ - ۵ درباره نبرد روحانی مطلبی را در میان بگذارم. مسیحیان همانند روش دنیا نمی جنگند. در دنیا معمولاً انسانها در مقابل یکدیگر می جنگند. چندین مذهب موجود در دنیا جنگهای مذهبی به راه انداخته اند اما مسیحیان با اسلحه و یا سایر سلاح های جنگی در مقابل مردم نمی جنگند. نبرد مسیحیان روحانی و با سلاح های روحانی و در مقابل روحهای شریر و شرارت اخلاقی است که در وجود آنها و یا در جامعه وجود دارد. مسیحیان در مقابل مذاهب کاذب و تعلیم کاذب اخلاقی ای که در بین انسانها وجود دارد و در مقابل شیطان و دیو هایش مبارزه می کنند. آنها در مقابل تمام نیروهای تاریکی می جنگند که سعی می کنند راستی را منحرف سازند و با ملکوت خدا مبارزه کنند.

سلاحهای روحانی که مسیحیان با آن می جنگند دارای قدرت الهی اند و می توانند قلعه های نظامی را نابود سازند. نبرد روحانی فقط از طریق سلاح های روحانی به صورت موثر و موفقیت آمیز قابل انجام است. در افسسیان ۶: ۱۰ - ۱۸ پولس می گوید که این سلاح های روحانی راستی، عدالت، بشارت، ایمان، نجات، کلام خدا و دعا است. تمام این سلاح ها دارای قدرت روحانی است تا بر قلعه شرارت وجود خودمان و سایر مردم غلبه کند.

قلعه هایی که باید تسخیر شوند. مشاجرات و ادعاهایی هستند که بر خلاف معرفت خدای کتاب مقدس می باشند. این قلعه ها در افکار و خواسته انسان هستند یعنی در روح مردم که از خدا جدا شده است. روح انسانی که هنوز به عیسی مسیح ایمان ندارد. به آنچه فکر می کند ایمان دارد و نحوه رفتارش را خودش تعیین می کند. شخصی که به عیسی مسیح ایمان ندارد مشاجرات و ادعاهایی را از خود اختراع می کند.

مشاجرات ناشی از طرز فکری بی ایمان که خود را علیه راستی کتاب مقدس بر می افرازد بخصوص در برابر این واقعیت که ماهیت جسم و روح او فاسد و منحرف شده و بر خلاف این حقیقت که عیسی مسیح تنها نجات دهنده است و این حقیقت که او نمی تواند با تلاشهای خود برای حفظ شریعت خود را نجات دهد. مشاجراتی که از روی بی ایمانی است به هر نوع مخالفت متکبران و یا مغرورانه با طلبیدن خدای کتاب مقدس، شناختن او و اطاعت از او و یا جلال دادن او گفته می شود. ریشه گناه استقلال از خدای کتاب مقدس و نافرمانی از اوست. بعضی از معلمین مذهبی عملاً بر علیه خدای کتاب مقدس دروغ منتشر می کنند چون نمی خواهند مردم راستی را بشناسند.

گناه عملاً، حقیقت را در مورد خدای کتاب مقدس تغییر می دهد و حقایق کتاب مقدس را تحریف می کند. اسیرانی که در نبرد روحانی مسیحی به اسارت گرفته می شوند انسانها نیستند بلکه این مشاجرات و ادعاهایی هستند که در فکر بی ایمان وجود دارد. هدف خدای کتاب مقدس تسخیر تمام این اعتقادات و باورها، تمام افکار و اعمال مردم و هدایت آنها به سوی اطاعت از عیسی مسیح است. قلعه های روحانی وجود دارند که می خواهیم با اسلحه های روحانی که خدا در اختیارم قرار داده آنها را تسخیر کنم. نبرد روحانی به نفع من است.

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرننیاں فصل ۱۱.

(S) می خواهم از دوم قرننیاں ۱۱ : ۴ - ۲۰ درباره رسولان دروغین مطلبی را در میان بگذارم. پولس ویژگی های این رسولان کاذب را روشن می سازد. اول در دوم قرننیاں ۱۱ : ۴ پولس تلویحاً می گوید که افرادی به نزد قرننیاں آمده و پیغام متفاوتی را موعظه می کنند. اهالی قرننیاں این رسولان کاذب را از رسولان واقعی تشخیص ندادند. رسولان کاذب را مسیح نمی فرستد بلکه خود سرانه می آیند. در حالیکه رسولان عیسی مسیح و پولس هم به صورت تاریخی و هم به صورت شخصی توسط خود مسیح دعوت داشتند این رسولان کاذب دارای هیچ نوع اقتدار الهی نبودند. آنها فقط به قرننیاں آمدند و وانمود کردند که رسولان مسیح هستند. پس من باید بین رسولان مسیح در کتاب مقدس و کسانی که فقط ادعا می کنند توسط خدا فرستاده شده اند تشخیص و تمایز قائل شوم.

دوم در دوم قرننیاں ۱۱ : ۴ پولس می گوید که این رسولان یا انبیاء کاذب به عیسی ای دیگر و انجیلی دیگر که متفاوت با موعظه پولس است و عظمی می کنند. از نامه های دیگر پولس می فهمیم که این معلمین دروغین به جای کلام خدا به فلسفه های انسانی و حکمت دنیا اعتماد می کردند (اول قرننیاں ۲ : ۱۲) آنها از مردم می خواستند که به جای لذت از فیض خدا در عیسی مسیح غلام شریعت یهود شوند. (غلاطیان ۲ : ۴). و به جای روح محبت، خوشی و و سلامتی روح ترس را موعظه می کردند (رومیان ۱۴ : ۱۷). در غلاطیان ۱ : ۹ پولس هشدار می دهد، "اگر کسی مژده نجات دیگری غیر از آنچه که پذیرفته اید به شما ارائه دهد لعنت خدا بر او باد."

"پس من ایمان دارم که تنها انجیل حقیقی آن است که عیسی مسیح و رسولان او در کتاب مقدس موعظه کردند. سایر پیغامهای مذهبی موجود در دنیا انجیل نیستند."

سایر کتابهای مذهبی موجود در دنیا کاملاً با کتاب مقدس متفاوت می باشند

سوم در دوم قرننیاں ۱۱ : ۱۳ پولس می گوید که این رسولان کاذب وانمود می کردند که رسولان مسیح هستند در حالیکه در واقعیت فقط خادمینی فریبکار بودند. این انبیاء و معلمین دروغین خود را به شکلی دیگر در می آوردند و وانمود می کردند که مقدسند و سعی می کردند که مردم باور کنند آنها نبی و رسولند. اما در واقع ماهیت واقعی آنها تغییری نمی کرد. پولس می گوید که این انبیاء و معلمین دروغین واقعا از نمونه آقای خودشان یعنی شیطان پیروی می کردند. قبل از آن در بهشت، شیطان کلام خدا را انکار و به آدم و حوا گفت: "خدا نگفت که شما نباید از میوه ممنوع بخورید." در قرننیاں هم شیطان و پیروانش کلام انجیل را انکار کردند و سعی کردند که مردم را به سوی شریعت یهود بازگردانند. امروزه نیز انبیاء و معلمین کاذب دیگری وجود دارند که کلام کتاب مقدس را منکر می شوند و می گویند که مسیحیان اخیراً محتوای کتاب مقدس را تغییر داده اند. این انبیاء و معلمین کاذب فراموش کرده اند که تمام ۶۶ کتاب در کتاب مقدس به صورت تاریخی بین دو تا سه هزار سال قبل ثبت شده اند. پس شیطان به صورت فرشته ای از نور تغییر چهره می دهد در حالیکه در واقع در تاریکی است. شیطان و غلامانش با دروغ و فریب مردم وانمود می کنند که نور هستند.

در دوم قرننیاں ۱۱ : ۱۴ پولس می گوید که این رسولان دروغین به صورت خادمین عدالت تغییر چهره داده اند. احتمالاً آنها به مردم می گفتند که اگر شریعت را نگه دارند در نظر خدا عادل به شمار می آیند. اما کتاب مقدس تعلیم می دهد که هیچکس با نگه داشتن شریعت عادل نخواهد شد. اگر می خواهید واقعا توسط خدا عادل شمرده شوید باید به عیسی مسیح و عدالت او ایمان بیاورید. پس من باید در مقابل تمام فریبهای شریر و انبیاء و رسولان دروغین هشیار باشم.

چهارم در دوم قرننیاں ۱۱ : ۲۰ پولس می گوید این رسولان و انبیاء کاذب با مسیحیان مانند غلام رفتار می کنند. آنها را استعمار می کنند. از آنها به نفع خود سوء استفاده می کنند. خود را جلو می اندازند و حتی به آنها توهین می کنند. یوغ سنگینی از صدها قانون یهودی بر پشت آنها می گذارند و می گویند آنها برای نجات یافتن باید آن را حمل کنند. آنها مانند انگلهایی که روی درخت زندگی می کنند بر مسیحیان قرننیاں زندگی می کردند. و به بهای مسیحیان قرننیاں فربه تر می شدند. پولس می گوید که چنین رسولان کاذبی عیسی مسیح را خدمت نمی کنند بلکه اشتهای خود (شکمهایشان) را (رومیان ۱۶ : ۱۸). آنها خودشان را به موقعیت و مقامی بالا میبرند که صاحب آن نیستند. همانند بسیاری از فرمانروایان زمینی فقط به دنبال تسلط بر مردم هستند و کاری می کنند که مردم قدرت و اهمیت آنها را احساس کنند. آنها نه تنها با سخنانشان از مسیحیان قرننیاں استفاده می کردند بلکه در واقع به صورت آنها می زدند. اعمال ۲۳ : ۲ نشان می دهد که در آن روزها سیلی زدن به صورت مردم بین کسانی که صاحب قدرت

بودند کاری رایج بود. رهبری در کتاب مقدس با شیوه رهبری در دنیا بسیار متفاوت است. در دنیا رهبران معمولاً زور گو هستند در کتاب مقدس رهبر باید در بین کسانی که رهبرشان است خادمی فروتن باشد. هشدار پولس به من کمک می کند که مواظب انواع معلمین و رسولان کاذب باشم که با اقتدار خود می آیند و ویژگی آنها این است که سعی می کنند مردم غلام آنها باشند آنها را استنثار می کنند و نسبت به آنها ظلم می کنند.

(T) می خواهم از دوم فرنتیان ۱۱: ۲۳ - ۲۹ در مورد رنج های يك رسول واقعی مطلبی را در میان بگذارم. رسولان کاذب به اصالت خود به عنوان نسل واقعی اسرائیل و به عنوان نشانه رسالت خود می بالیدند. اما پولس به مسیحیان قرن نهم گوشزد می کند که نشانه واقعی يك رسول واقعی رنج است.

او به بعضی رنج های خود به عنوان رسول مسیح اشاره می کند. او در اغلب موارد زندانی و شلاق خورده و در هر بار ۳۹ ضربه تازیانه شلاق خورده است. در انتهای تازیانه تکه ای فلزی و استخوانی وجود داشت که کمر و سینه را می شکافت و روشی بسیار ظالمانه ای برای زدن شخصی دیگر محسوب می شد. او را با چوب زدند و حتی سنگسار کردند. چندین بار کشتی او شکسته شد و حتی يك روز کامل بر سطح دریا سرگردان بود. او همیشه به دلیل مشکلات سفر و همینطور از طرف افراد شریر در معرض خطر بود. اغلب متحمل بی خوابی گرسنگی و تشنگی بود و یا حتی لباس برای پوشیدن نداشت در کنار تمام این رنج ها اوسخت تر از تمام رسولان دیگر کار می کرد و به خاطر توجه به سایر کلیساها هر روزه تحت فشار بود. رنج فقط علامت يك رسول واقعی نیست بلکه نشانه يك مسیحی حقیقی است. مسیحیان معمولی نباید تعجب کنند اگر مردم آنها را نیز تحت جفا قرار می دهند. در دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ پولس می گوید، "در واقع همه آنانی که می خواهند مطابق اراده خدا زندگی کنند از دشمنان مسیح رنج و آزار خواهند دید."

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول. افسسیان ۱ - ۳ را به هفت قسمت تقسیم کنید. هر روز با يك قسمت رازگاهان داشته باشید. حاصل تعمق رازگاهانهای خود را در يك دفترچه، یادداشت کنید هفته ای یکبار با یکی از دوستانتان یا در يك مشارکت خانگی یا گروه شاگردی رازگاهانهای خود را در میان بگذارید.

دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید" را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید.

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش کنید.